

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور استان تهران

«مرکز تهران غرب»

پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته علوم سیاسی

گروه علوم سیاسی

عنوان پایان نامه

روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و لبنان بعد از پیروزی انقلاب

اسلامی ایران براساس رهیافت سازه انگاری

نویسنده: مجتبی زارعی سیاه بیدی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا محمود پناهی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمدرضا حاتمی

شهریور ۱۳۹۳

اینجانب مجتبی زارعی سیاه بیدی دانشجوی ورودی سال ۹۰ مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گواهی می نمایم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام با نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد برعهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

دانشجو تائید می نماید که مطالب مندرج در این پایان نامه نتیجه تحقیقات خودش می باشد و در صورت استفاده از نتایج دیگران مرجع آن را ذکر نموده است.

نام و نام خانوادگی دانشجو: تاریخ و امضاء:

مجتبی زارعی سیاه بیدی

اینجانب مجتبی زارعی سیاه بیدی دانشجوی ورودی سال ۹۰ مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گواهی می نمایم چنانچه براساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب و ضمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب و ... به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

نام و نام خانوادگی دانشجو: تاریخ و امضاء:

مجتبی زارعی سیاه بیدی

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می باشد.

شهریور ۱۳۹۳

چکیده

سیاست خارجی مهمترین وجه زندگی اجتماعی سیاسی ملت ها و کشورها به شمار می رود چون بقا و حیات آنها به سیاست خارجی بستگی دارد. از این رو، تلاش برای درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی کشورها یکی از دل مشغولی های فکری و ذهنی محافل علمی و دانشگاهی است، به گونه ای که حوزه مطالعاتی تحلیل سیاست خارجی جهت پاسخگویی به این کنجکاوی و دل نگرانی تأسیس و توسعه یافته است. تحول و تکامل این رشته، مطالعات گسترده و رویکردهای نظری متنوع و متعددی را در متن و بطن خودپرورده و پرداخته است. هدف و مقصد همه تلاش ها واکاوی ماهیت و واگویی رفتار کشورها در عرصه بین المللی است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به اصولی ثابت و پایدار استوار است که در عرصه بین المللی راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی قرار می گیرد. همچنین سیاست خارجی بر پایه منافع و ارزش های ملی کشور تدوین و پیگیری می شود. در چارچوب این اصول و منافع سیاست اهدافی مشخص و معین را تعریف و تعقیب می کند.

با توجه به ماهیت و هویت نظام جمهوری اسلامی اصول سیاست خارجی آن از دین مبین اسلام و ایدئولوژی اسلامی نشأت می گیرد. بنابراین، این اصول در کتاب، سنت، سیره معصومین (ع) و شیوه حکومتی آنان به ویژه حکومت نبوی و علوی ریشه دارد.

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود مانند دیگر کشورها، در پی تعقیب و تأمین ارزش ها و اهدافی است که براساس نیازهای حیاتی، آماج و آرمان های خود تعریف می کند. بنابراین در تعریف و تعیین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در برابر بیگانگان، معنای اولیه و اصلی منافع ملی است.

در تعیین و تعریف منافع جمهوری اسلامی ایران چند نکته و اصل را باید مورد توجه قرار داد. اول ملحوظ داشتن نظام ارزشی و هنجاری که ارزش های جمهوری اسلامی ایران از آن نشأت می گیرد. دوم، ارزش ها، انتظارات و هنجارهای ملی که به صورت بنیاد ذهنی ساخته شده و ملت ایران تأمین آن را در سیاست خارجی لازم و ضروری می پندارد. به گونه ای که ادراک و تلقی مردم از ارزشی که به عنوان منفعت ملی در سیاست خارجی پیگیری می شود یکسان و همان است.

سوم، ماهیت و هویت اسلامی نظام جمهوری اسلامی در آن لحاظ گردد. زیرا ماهیت و هویت اسلامی ایران نقش اساسی در تعیین ارزش ها و عناصر تشکیل دهنده منافع ملی جمهوری اسلامی ایفا می کند. این بدان معناست در تعریف و تعیین عناصر و مصادیق منافع ملی ایران علاوه بر ارزشهای ایرانی، مصالح و ارزش های اسلامی را نیز باید در نظر گرفت.

با تغییر هویت در ایران بعد از انقلاب اسلامی استراتژی سیاست خارجی نیز تغییر پذیرفت و این هویت در همسویی با جنبش های شیعی و همچنین آزادی بخش در سراسر جهان قرار گرفت. رابطه میان مسلمانان شیعه لبنان با ایران قدمتی دیر پا دارد و به سده های پیشین بازمی گردد. اولین بار در زمان صفویه، گروه بزرگی از مبلغان مذهبی شیعه به ایران دعوت شدند برای توسعه مذهب شیعه در ایران قبل از انقلاب سید موسی صدر به توصیه حضرت آیت اله بروجردی، حکیم و شیخ مرتضی آل یاسین و همچنین بنا بر وصیت مرحوم آیت الله عبدالحسین شرف الدین، به عنوان جانشین ایشان برای هدایت شیعیان لبنان به آنجا رفت. ایشان با تشکیل حزب امل باعث انسجام طایفه شیعه که بزرگترین طایفه جنوب لبنان می باشد و از این طریق حضور آنها در فضای لبنان پر رنگ تر شد. روابط ایران با لبنان نیز با تغییر هویت دستخوشی تغییر شد و روز به روز گسترش یافت.

در پژوهش حاضر تلاش شده است ضمن تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در لبنان به دنبال پاسخ مناسبی به سوال ذیل هستیم: با توجه به رهیافت سازه انگاری چه تغییراتی در روابط ایران و لبنان پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران حاصل شده است؟ در ادامه تشریح این موضوع سؤالات دیگری وجود دارد که بررسی آنها ما را در واکاوی ابعاد دیگری از این مبحث یاری خواهد کرد.

چه مؤلفه هایی دیدگاه های جمهوری اسلامی ایران را نسبت به لبنان شکل می دهد؟ واکنش دیگر بازیگران منطقه ای و جهانی در برابر نفوذ ایدئولوژیکی ایران در لبنان چیست؟ آیا رابطه ی ایران با گروه های شیعی یا شبه نظامی در لبنان یک پارامتر تعیین کننده در رابطه ایران و دولت لبنان است؟

آیا وابستگی ایدئولوژیکی حزب الله به جمهوری اسلامی می تواند یک اهرم فشار برای ایران باشد؟ در پاسخ به سوال اصلی پژوهشی فرضیات زیر به عنوان خط سیر پژوهشی پی گرفته شده است: با توجه به نظریه سازه انگاری تغییر هویت اساسی و ایجاد هنجارهای جدید در کشور جمهوری اسلامی ایران باعث توسعه روابط خارجی دو کشور پس از انقلاب اسلامی شده است. براساس انگاره ها و هویت جدید به وجود آمده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران روابط ایران با لبنان براساس منافع ملی و مصالح اسلامی می باشد.

پژوهش حاضر براساس رهیافت سازه انگاری می باشد. رهیافت سازه انگاری از جمله رهیافت های جدید در روابط بین الملل است. این رهیافت سعی دارد ارتباطی بین ادراکات و تصورات از یک سو و خردگرایی از سوی دیگر ایجاد کند.

کلیدواژه: ایران، انقلاب اسلامی، لبنان، سازه انگاری، روابط خارجی

فهرست مطالب

فصل اول : کلیات پژوهش	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- اهمیت موضوع	۳
۳-۱- اهداف موضوع	۴
۴-۱- سوابق و ضرورت انجام تحقیق	۵
۵-۱- تعریف مسأله و بیان سوال های اصلی تحقیق	۵
۶-۱- فرضیه ها	۷
۷-۱- روش تجزیه و تحلیل داده ها	۷
۸-۱- روش تحقیق	۸
۹-۱- ابزار گرد آوری داده ها	۸
فصل دوم : چار چوب و رهیافت سازه انگاری	۹
۱-۲- سازه انگاری	۱۰
۲-۲- مبانی هستی شناختی سازه انگاری	۱۴
۳-۲- بر ساختگی بودن هویت	۱۵
۴-۲- رابطه کارگزار ساختار	۱۷
۵-۲- نقش هویت در شکل دادن به منافع	۲۰
فصل سوم : چار چوب ، ساختار ، اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۲۵
۳-۱- اصول، منافع ، اهداف و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۲۶
۳-۱-۱- اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۲۶
۳-۱-۱-۱- نفی سلطه گری و سلطه پذیری : عزت	۲۶
۳-۱-۱-۲- ظلم ستیزی ، عدالت خواهی و استکبار ستیزی	۲۷
۳-۱-۱-۳- حمایت از مستضعفان و جنبش های آزادی بخش	۲۸
۳-۱-۱-۴- حمایت و دفاع از مسلمانان	۲۹
۳-۱-۱-۵- همزیستی مسالمت آمیز و صلح طلب	۳۰

- ۳-۱-۱-۶- عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل..... ۳۱
- ۳-۱-۱-۷- تعهد به قرار دادها و قوانین بین المللی..... ۳۳
- ۳-۱-۲- منافع ملی..... ۳۳
- ۳-۱-۳- منافع دفاعی و امنیتی..... ۳۴
- ۳-۱-۴- منافع معطوف به نظم جهانی و نظام بین الملل..... ۳۴
- ۳-۱-۵- منافع اقتصادی..... ۳۵
- ۳-۱-۶- منافع ایدئولوژیک..... ۳۵
- ۳-۱-۷- اهداف و مقاصد سیاست ملی..... ۳۵
- ۳-۱-۷-۱- حفظ امنیت ملی و موجودیت کشور..... ۳۵
- ۳-۱-۷-۲- توسعه و رفاه اقتصادی..... ۳۶
- ۳-۱-۸-۱- اهداف فرا ملی یا اسلامی..... ۳۷
- ۳-۱-۸-۱- کسب اعتبار بین المللی..... ۳۷
- ۳-۱-۸-۲- حفظ کیان اسلامی..... ۴۰
- ۳-۱-۸-۳- صدور انقلاب اسلامی..... ۴۰
- ۳-۱-۸-۴- وحدت جهان اسلام..... ۴۲
- ۳-۱-۸-۵- تشکیل جامعه جهانی اسلامی..... ۴۳
- ۳-۲- ساختار تصمیم گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۴۴
- ۳-۲-۱- نهاد رهبری..... ۴۵
- ۳-۲-۲- قوه مجریه..... ۴۷
- ۳-۲-۲-۱- ریاست جمهوری..... ۴۷
- ۳-۲-۲-۲- هیات وزیران..... ۴۷
- ۳-۲-۲-۳- وزارت امور خارجه..... ۴۸
- ۳-۲-۳- قوه مقننه..... ۴۹
- ۳-۲-۳-۱- مجلس شورای اسلامی..... ۵۰
- ۳-۲-۳-۲- شورای نگهبان قانون اساسی..... ۵۱
- ۳-۲-۳-۴- مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۵۱
- ۳-۲-۵- شورای عالی امنیت ملی..... ۵۲
- ۳-۲-۶- نهاد های نظامی و امنیتی..... ۵۳

- ۳-۲-۷- نهاد های غیر مستقیم تأثیر گذار بر روند سیاست خارجی کشور..... ۵۵
- ۳-۲-۷-۱- نهاد روحانیت..... ۵۵
- ۳-۳- جهت گیری ها و دیپلماسی های سیاست خارجی..... ۵۶
- ۳-۳-۱- دیپلماسی مصلحت محور یا واقع گرا (۱۳۵۷-۱۳۵۸)..... ۵۶
- ۳-۳-۲- دیپلماسی ارزشی محور یا آرمان گرا (۱۳۶۰-۱۳۶۸)..... ۵۹
- ۳-۳-۳- دیپلماسی منفعت محور - اصلاح طلبی اقتصادی (عملگرا)..... ۶۱
- ۳-۳-۴- دیپلماسی فرهنگ گرای سیاست محور..... ۶۴
- ۳-۳-۵- دیپلماسی اصول گرایی..... ۶۶

فصل چهارم : جایگاه لبنان در سیاست خارجی ایران قبل و بعد از انقلاب

- اسلامی ایران..... ۷۲
- ۴-۱- معرفی کشور لبنان..... ۷۳
- ۴-۱-۱- ملت سازی در لبنان..... ۷۳
- ۴-۱-۲- ادیان و مذاهب در لبنان..... ۷۵
- ۴-۱-۳- اهمیت راهبردی لبنان در منطقه..... ۷۶
- ۴-۱-۴- تاریخ سیاسی لبنان..... ۷۷
- ۴-۱-۵- خاستگاه شیعیان و موقعیت شیعیان در اواسط قرن بیستم..... ۷۸
- ۴-۲- تاریخچه روابط ایران و لبنان..... ۸۰
- ۴-۲-۱- مساعدت های مالی و روابط اقتصادی ایران و لبنان..... ۸۱
- ۴-۲-۲- اما موسی صدر و نقش آن در تحولات لبنان..... ۸۳
- ۴-۲-۳- روابط حزب امل با ایران..... ۹۱
- ۴-۳-۱- جایگاه سوریه و اسرائیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در لبنان..... ۹۳
- ۴-۳-۱-۱- نقش سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در لبنان..... ۹۵
- ۴-۳-۲- نقش اسرائیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در لبنان..... ۱۰۰
- ۴-۳-۲-۱- تجزیه و تحلیل روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل..... ۱۰۰
- ۴-۳-۲-۲- مبارزه با صهیونیسم جهانی..... ۱۰۴
- ۴-۳-۳- تأثیر جمهوری اسلامی در رشد جنبش های اسلامی در فلسطین..... ۱۰۷
- ۴-۳-۳-۱- مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات فلسطین..... ۱۱۱

- ۱۱۲-۲-۳-۳-۴-۴ موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر کنفرانس مادرید.....
- ۱۱۳-۳-۳-۳-۴-۴ موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به توافق نامه های صلح.....
- ۱۱۵-۴-۴-۴-۴ پیدایش و شکل گیری حزب الله لبنان.....
- ۱۲۰-۱-۴-۴-۴ حمایت های مالی جمهوری اسلامی ایران از حزب الله.....
- ۱۲۱-۲-۴-۴-۴ توان نظامی حزب الله لبنان.....
- ۱۲۲-۳-۴-۴-۴ حزب الله و نقش آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در لبنان.....
- ۱۲۶-۴-۴-۴-۴ منابع هویتی جمهوری اسلامی ایران و حمایت های ایران در قبال حزب الله لبنان.....
- ۱۲۶-۵-۴-۴-۴ هنجارهای داخلی.....
- ۱۲۶-۱-۵-۴-۴-۴ هنجارهای اسلامی شیعی.....
- ۱۲۷-۲-۵-۴-۴-۴ آموزه های تأثیرگذار ایران بر حزب الله لبنان.....
- ۱۲۹-۳-۵-۴-۴-۴ حمایت از ملت های آزاد در فرهنگ ایران باستان و جزء هنجار ملی ایرانیان می باشد.....
- ۱۳۰-۶-۴-۴-۴ حزب الله لبنان ، جنگ ۳۳ روزه و پیامدهای آن.....
- ۱۳۲-۱-۶-۴-۴-۴ موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ ۳۳ روزه لبنان.....
- ۱۳۳-۷-۴-۴-۴ پیامدهای مثبت و منفی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در لبنان (عام) و حزب الله (خاص).....
- ۱۳۳-۱-۷-۴-۴-۴ پیامدهای مثبت.....
- ۱۳۳-۱-۱-۷-۴-۴-۴ تأثیرگذاری و ایفای نقش محوری در روند صلح واقعی در منطقه.....
- ۱۳۴-۲-۱-۷-۴-۴-۴ افزایش عمق استراتژیک ایران.....
- ۱۳۵-۳-۱-۷-۴-۴-۴ شکست استراتژی بازدارندگی اسرائیل.....
- ۱۳۶-۴-۱-۷-۴-۴-۴ کاهش ضریب امنیت نظامی اسرائیل.....
- ۱۳۷-۲-۷-۴-۴-۴ پیامدهای منفی.....
- ۱۳۷-۱-۲-۷-۴-۴-۴ اخلال در روند (به اصطلاح) صلح خاورمیانه.....
- ۱۳۸-۲-۲-۷-۴-۴-۴ متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم.....
- ۱۳۹-۳-۲-۷-۴-۴-۴ متهم کردن ایران به مداخله در امور داخلی کشورها.....
- ۱۴۰- فصل پنجم : نتیجه گیری.....
- ۱۴۱-۱-۵- نتیجه گیری.....
- ۱۴۶- منابع.....

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

با وجودی که قانون اساسی چارچوب راهبردی سیاست خارجی را مشخص کرده است، ولی هنوز میان صاحب‌نظران و تحلیل‌گرایان مسائل سیاسی در مورد ماهیت و عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی اجماع نظری حاصل نشده است.

هر کس براساس ایستارها و رویکردهای مختلف، ارزیابی‌های متفاوت و گاه ضد و نقیضی ارائه می‌دهد و رفتار جمهوری اسلامی با جهان خارج با کمک گرفتن از نظریه‌های مطرح شده در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار داده و در نهایت به نتایج مختلف دست پیدا می‌کنند. بسیاری از پژوهشگران آرمان‌گرا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ماهیتاً ایدئولوژیک تلقی می‌کنند و در نهایت اعتقادی به متحول شدن رفتار خارجی جمهوری اسلامی در سه دهه اخیر ندارند.

مکتب آرمانگرایی در روابط بین‌الملل که نگرش حقوق و تشکیلاتی قوی دارد با سیاست خارجی آرمان‌گرایانه جمهوری اسلامی کاملاً متفاوت است.

براساس شواهد و مصادیق موجود، جمهوری اسلامی ایران تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد، اعتناء کافی به ضوابط و مقررات سازمان‌های بین‌المللی نداشت، بلکه بر عکس در قالب سیاست تجدید نظر طلبانه نسبت به نظام بین‌المللی کاملاً بدبین بود و با اعتقاد جزم‌گرایانه به نظریه توطئه و شعار «هر که با ما نیست دشمن ما است» از نرم‌های بین‌المللی فاصله زیادی داشت.

مکتب واقع‌گرا برخلاف آرمان‌گرایی، مقوله قدرت را محور اصلی و اساسی سیاست می‌داند و تلاش برای کسب آنرا بدترین هدف سیاست خارجی تلقی می‌کند. واقع‌گرایان دولت ملی را بازیگر اصلی صحنه جهانی می‌دانند، بدین خاطر ضروری است که دولت ملی برای دستیابی به قدرت دائماً گام بردارد.

با وجودی که رفتار و شرایط دستگاه دیپلماسی ایران با مسائل جهانی، به ویژه در حفظ و توسعه قدرت در مقاطع تاریخی خاص به واقع‌گرایی نزدیک‌تر است تا به آرمانگرایی به ویژه سیاست تنش‌زدایی و نظریه گفتگوی تمدن‌ها که با درک هزینه‌های سنگین دشمن تراشی، دست دوستی به سوی جهانیان دراز نموده و به نحوی نیز موفق به کسب اعتبار جهانی گردیده است- در عین حال با مشکلات مفهومی و کارکردی بسیاری در زمینه واقع‌گرا بودن سیاست خارجی رو به رو هستیم. یکی از مشکلات تعریف مبهم دولت ملی در قانون اساسی است؛ دیگری برداشت بازیگران اصلی سیاست خارجی از منافع ملی است که آن را وسیله تأمین ایدئولوژی تلقی می‌کنند، ثالثاً استمرار

بحران های متعدد در روابط ایران با کشورهای همسایه است. ضمن اینکه واقع گرایی تکیه خاصی بر قدرت نظامی دارد و نسبت به عناصر غیرمادی قدرت توجه لازم را مبذول نمی دارد، سیاست خارجی ایران متکی قدرت نظامی نیست و بر جنبه فرهنگی و امنیتی سیاست خارجی تأکید دارد. رویکرد سومی که در روابط بین المللی مطرح است، تلفیقی از آرمانگرایی با گرایش به داده های رئالیستی و مبتنی بر روش های کمی است. به عبارت دیگر رفتارگرایان طرح و تدوین جهت گیری سیاست خارجی را مبتنی بر شناسایی دقیق و عینی امکانات می دانند و تلاش می کنند شیوه های علوم دقیقه را در روابط بین کشورها به کار بندند. در واقع ویژگی اساسی رفتارگرایی را باید در کمی گرایی خلاصه کرد. سیاست خارجی دولت ملی یک ستاره درخشانی دارد و آن منافع ملی است. منافع ملی راهنمای تعیین اولویت بندی اهداف ملی است و اهداف ملی متأثر از هر چه باشد، در عمل فقط می تواند مبتنی بر قدرت ملی تعیین شود و قدرت ملی اصلی ترین عامل است که جایگاه دولت ملی را در خانواده جهانی تعیین می کند. هیچ دولت ملی جزیره مستقل و تنها نیست و سیاست خارجی اگر نگوییم تنها طریق لاقبل یکی از مهم ترین طریق ارتباط با دیگر دولت های ملی است. سیاست خارجی موفق آن است که در این ارتباط هر چه بیشتر منافع ملی دولت مطبوع را تأمین کند و رسالت و مأموریت دیگری ندارد. و در جنبه آرمان گرایی دولت اسلامی و سیاست خارجی آن نیز یک هدف درخشان وجود دارد و آن نجات همه انسان ها از بندگی خدایان دنیوی و فرا خواندن آنها به توحید فارغ از ملیت و نژاد و سرزمین و... و نهایتاً جهان گیر شدن اسلام است. آرمان دولت اسلامی تک تک افراد انسانی مطرح است که نجات آنها را دنبال می کند. دولت اسلامی به معنایی که ذکر شد، انسان شمول است و تمام انسان ها مخاطب و هدف آن هستند. بنابراین، اهداف و منافع ملی در اینجا به حداکثر ابزار و وسایل واسطه ای برای اوایل حرکت انسان شمول و جهان شمول دولت اسلامی است.

۱-۲- اهمیت موضوع

سیاست خارجی مهم وجه زندگی اجتماعی سیاسی ملت ها و کشورها به شمار می رود چون بقا و حیات آنها به سیاست خارجی بستگی دارد. از این رو، تلاشی برای درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی کشورها یکی از دل مشغولی های فکری و ذهنی محافل علمی و دانشگاهی است، به گونه ای که حوزه مطالعاتی تحلیل سیاست خارجی جهت پاسخ گویی به این کنجکاوای و دل نگرانی تأسیس و توسعه یافته است. تحول و تکامل این رشته، مطالعات گسترده و رویکرد های

نظری متنوع و متعددی را در متن و بطن خود پرورده و پرداخته است. هدف و مقصد همه ی تلاش های واکاوی ماهیت واگویی رفتار کشورها در عرصه بین المللی است. حوزه مطالعاتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز توسعه و تعالی چشمگیری داشته است. به طوری که در سه دهه گذشته ادبیات نسبتاً گسترده ای در زمینه تحلیل و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خلق شده است. هر یک از تحلیل گران و اندیشمندان بر اساس ایستارها، ارزش ها و برداشت ها و چهارچوب های مفهومی خاص به بحث و بررسی سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی مبادرت ورزیده اند پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تمام معادلات منطقه ای و جهانی را بر هم زد بر این اساس نظام جمهوری اسلامی ایران بر نگاره ها و هویت هایی شکل گرفت که متضاد با استکبار و استعمار جهانی بود و به نوعی توانست روح مقاومت را در مسلمانان زنده کند.

انقلاب ایران توانست بر مسلمانان و اقلیت های شیعیه در سراسر جهان اسلامی تأثیر شگرفی بر جای بگذارد و پیوندی معنوی را بین جنبش های اسلامی در خاور میانه به راه اندازد. بعد از انقلاب اسلامی و به وجود آمدن ضدیت هویت ایرانی - اسلامی علیه اسرائیل و آمریکا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در لبنان بر سه اساس شکل گرفت.

ابتدا جمهوری اسلامی در مخالفت با رقیب و دشمنی استراتژیک خود یعنی اسرائیل به دنبال به دنبال شکل دهی به گروه های اسلامی و به ویژه شیعی در لبنان در برای مبارزه با صهیونیسم و اشغالگران بود. دوم ایران به هیچ وجه قبول نداشت که حکومت مسیحی بر مردم لبنان که اکثریت آنان مسلمان و شیعه بوند، حکومت کند. سوم ایران همانند سوریه خواهان ثبات در لبنان و پایان دادن به منازعات دذرون گروه های اسلامی بود در همین رابطه روابط سوریه با لبنان نیز بسیار بااهمیت بود. لبنان به عنوان عمق استراتژیک سوریه مورد توجه قرار می گرفت. این مسئله روابط ایران و سوریه را نیز مورد توجه قرار می دهد

۱-۳- اهداف موضوع

تبیین نقش هنجارها و هویت در گسترش روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با لبنان پس از انقلاب اسلامی
تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در روابطش با لبنان که براساس منافع ملی و مصالح اسلامی پایه ریزی شده است

۱-۴- سوابق و ضرورت انجام تحقیق

در رابطه با این موضوع تحقیقات و قلم فرسایی های خوبی صورت گرفته است اما با توجه به تحولات و تغییرات و جوانب متعدد این تحولات و تغییرات احساس می شود هنوز کارهای زیادی در این مورد صورت نگرفته است و می توان تحت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان) به بررسی نظرات موافقان و مخالفان نرم ایران در منطقه خاورمیانه پرداخته است. نویسندگان در این کتاب لبنان را به عنوان موردی می آورد که غنی ترین و حساس ترین کشورهای منطقه است که ایران دارای روابط خوبی با آن می باشد.

سدید نژاد (۱۳۸۹) در مقاله خود تحت عنوان «مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با رهیافت سازه انگاری» به بررسی سیاست خارجی ایران که بعد از انقلاب اسلامی ایران تحت انگاره ها و هویت های شکل گرفته است و «خود» ها دوستان و «دیگران» دشمنان تحت تأثیر این هویت جدید تغییر یافته اند، پرداخته است.

حاج یوسفی (۱۳۸۳) در کتاب خود تحت عنوان ایران و خاور میانه گفتارهایی در سیاست خارجی ایران به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاور میانه پرداخته است. نویسنده به دنبال دست یابی به راهکارهایی برای حل چالش های موجود در سیاست خارجی ایران نسبت به خاور میانه است.

رمضانی (۱۳۸۰) و جان اسپوزیتو در کتابی با عنوان ایران بر سر دوراهی به تبیین سیاست خارجی و موقعیت ایران پس از انقلاب اسلامی و همچنین منافع ایدئولوژیک این کشور در منطقه پرداخته اند. نادر سمیرمی (۱۳۷۶) در کتاب خود تحت عنوان لبنان به بررسی خصوصیات جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ... این کشور پرداخته است. نویسنده کشور لبنان را یکی از حساس ترین کشورهای منطقه می داند که دارای موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئوکالچر در خاورمیانه می داند.

اگرچه کتب و مقالات بسیاری در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روابط این کشور با سایر کشورها صورت گرفته است اما در زمینه بررسی روابط ایران با لبنان براساس نظریه سازه اناری تحقیق آنچنانی صورت نگرفته است.

۱-۵- تعریف مسئله و بیان سؤال های اصلی تحقیق

پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تمام معادلات منطقه ای و جهانی را بهم زد. بر این اساس نظام جمهوری اسلامی ایران به انگاره ها و هویت هایی شکل گرفت که متضاد با استکبار و استعمار

جهانی بود به نوعی توانست روح مقاومت را در مسلمانان زنده کند. انقلاب ایران توانست بر اقلیت های شیعه در سراسر جهان تأثیر شگرفی بر جای بگذارد و پیوندی معنوی را بین جنبش های اسلامی در خاور میانه به راه بیندازد. برای مثال حماس توانست مقاومت مردمی در فلسطین را سازمان دهی کند و انتفاضه که رنگ و بوی اسلامی داشت را علیه اسرائیل بسیج کند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۹۵).

پس از انقلاب اسلامی و به وجود آمدن هویت ایرانی - اسلامی علیه اسرائیل و آمریکا، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در لبنان بر سه اساس شکل گرفت. ابتدا جمهوری اسلامی در مخالفت با رقیب و دشمن استراتژیک خود یعنی اسرائیل به دنبال شکل دهی به گروه های اسلامی و به ویژه شیعی در لبنان برای مبارزه با صهیونیسم و اشغالگران بود. دوم ایران به هیچ وجه قبول نداشت که حکومت مسیحی بر مردم لبنان که اکثریت آنها مسلمان و شیعه بودند، حکومت کند. سوم ایران همانند سوریه خواهان ثبات در لبنان و پایان دادن به منازعات درون گروه های اسلامی بود. در همین رابطه روابط سوریه با لبنان نیز بسیار با اهمیت بود. لبنان به عنوان عمق استراتژیک سوریه مورد توجه قرار می گرفت. این مسئله روابط ایران و سوریه را نیز مورد توجه قرار می داد (اسد اللهی، ۱۳۸۳: ۲۶۷-۲۶۸).

با تغییر هویت در ایران بعد از انقلاب اسلامی استراتژی سیاست خارجی نیز تغییر پذیرفت و این هویت در هم سویی با جنبش های شیعی و همچنین آزادی بخش در سراسر جهان قرار گرفت. روابط ایران با لبنان نیز با تغییر این هویت دست خوش این تغییر شد و روز به روز گسترش یافت. با توجه به مباحث مطرح شده سؤال اصلی که در این تحقیق ما به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که با توجه به رهیافت سازه انگاری چه تغییراتی در روابط ایران و لبنان پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران حاصل شده است؟ در ادامه تشریح این موضوع سؤالات دیگری وجود دارد که بررسی آن ها ما را در وا کاوی ابعاد دیگری از این مبحث یاری خواهد کرد.

چه مؤلفه های دیدگاه های جمهوری اسلامی ایران را نسبت به لبنان شکل می دهد؟

واکنش دیگر بازیگران منطقه ای و جهانی در برابر نفوذ ایدئولوژیکی ایران در لبنان چیست؟

آیا رابطه ی ایران با گروه های شیعی و یا شبه نظامی در لبنان یک پارامتر تعیین کننده در رابطه ی ایران و دولت لبنان است؟

آیا وابستگی ایدئولوژیکی حزب الله به جمهوری اسلامی می تواند یک اهرم فشار برای ایران باشد؟

۱-۶- فرضیه ها

با توجه به رهیافت سازه انگاری تغییر هویت اساسی و ایجاد هنجارهای جدید در کشور جمهوری اسلامی ایران باعث توسعه روابط خارجی دو کشور پس از انقلاب اسلامی شده است .
براساس انگاره ها و هویت جدید به وجود آمده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در روابط ایران با لبنان بر اساس منافع ملی و مصالح اسلامی می باشد .

۱-۷- روش تجزیه و تحلیل داده ها

ابزار تجزیه و تحلیل این پژوهش بر اساس رهیافت سازه انگاری می باشد رهیافت سازه انگاری از جمله رهیافت های جدید در روابط بین الملل است . این نظریه سعی دارد ارتباطی بین ادراکات و تصورات از یک سو و خرد گرایی از سوی دیگر ایجاد کند . از جمله نظریه پردازان در این رهیافت می توان به اوناف و الکساندر و نت اشاره داشت (بلیس و اسمیت : ۱۳۸۳ ، ۵۴۶)

این رویکرد به عنوان یکی از نظریه های انتقادی ، ضمن رد گزاره های مطرح در هستی شناسی خرد گرایی به ارائه اصول و گزاره های متفاوت از مباحث خرد گرایی در مورد روابط بین الملل می پردازد . سازه انگاری به دلیل اهمیت قائل نشدن برای نقش تأثیر گذار معرفت ، باور ، قواعد ، هنجارها در روابط و تعاملات میان دولت ها در سطح نظام بین الملل و قائل به اهمیت فزاینده عامل مادی در تعیین سیاست بین الملل توسط مکاتب خرد گرایی و این تصور که منابع مادی و فیزیکی کشورها را به عنوان عامل تعیین کننده قدرت آن ها در سطح نظام بین الملل می باشند ، نپذیرفته و با دیدی انتقادی به آن ها می نگرد (دهقانی فیروز آبادی ، ۱۳۸۹ : ۴۴-۴۳)

سازه انگاری بیشتر رهیافتی است که از ترکیب چندین رویکرد تشکیل می شود . این نظریه در تلاش است با توجه به کاستی ها و نارسایی های موجود در نظریه های گوناگون روابط بین الملل با بهره گیری از اصول خود تصویری درست و واقعی از الگوهای رفتاری در سیاست بین الملل به دست بدهد . در این نظریه مؤلفه های فرهنگی و تفسیری در مرکز توجه قرار دارد و بر همین اساس نقش ذهن در ساختن آن مورد بحث قرار می گیرد . این رهیافت درباره ی شیوه های معنا دار شدن و تولید واقعیت و باز تولید این واقعیت ها در ابعاد مختلف روانشناختی ، اجتماعی و فرهنگی تحقیق می کند . اندیشه سازه انگاری بر اساس این اصل شکل گرفته که واقعیت ها را در ذهن می پندارد و معتقد است واقعیت امری بینا ذهنی است و واقعیت یک ساخته ذهنی است و این ذهن به اجتماع به هم ارتباط می یابد و در چهار چوب آن جامعه ، تاریخ و هویت خود و جهان را می سازد و به شناخت دست می یابد . (لسر و اتال ، ۲۰۰۰ : ۲۴-۴) .

سازه انگاری به بررسی این نکته می پردازد که هویت ها و هنجار های اجتماعی که میان دولت ها شکل می گیرد ، چگونه می تواند منجر به گسترش روابط نهادینه و توسعه یافته میان دولت ها می شود . می توان گفت با توجه به احساس و هویت مشترکی که دولت ها نسبت به یکدیگر احساس می کنند منجر به ایجاد روابط بین آن ها بر اساس معنا و تفسیری می شود که هم نسبت به محیط خودشان و هم برای همدیگر قائل هستند (دالوند ، ۱۳۸۹ : ۱۰۵-۱۰۴) .

از مباحث اصلی سازه انگاری بحث هویت کنشگران است . هویت ، برداشت ها و تصورات خاصی از خود و موقعیت خویش در ارتباط با سایر بازیگران بوده که موجب شکل گیری منافع خاص برای هر یک از کنش گران می شود که بر اساس آن تصمیمات در عرصه سیاست گذاری شکل می گیرد . هویت به دولت ، ملت ها اجازه می دهد که بر اساس معانی و انگاره های خود جهان را معنا دار کنند و به طبقه بندی موجودیت ها و کنشگران دیگر اقدام کنند و بر اساس آن دوست و دشمن خود را مشخص کنند . دولت ها با توجه به این ادراکات خود را در جهت تغییر و یا حفظ وضع موجود بر آمده ، با کشوری وارد تعامل شده و یا به تقابل و تعارض با آن ها می پردازد . (ویلمر ، ۲۰۰۲ : ۵۹)

سازه انگاران در تعریف هویت آن را تعریف خود در مقابل دیگری دانسته اند و بر اساس این هویت شکل گرفته که بازیگران در عرصه بین المللی با توجه به ادراک و معانی که از دیگران دارند ، اهداف و سیاست های خود را مشخص کرده و به کنش و واکنش می پردازند و رابطه را با دیگران شکل می دهند و این هویت دولت ها دو معنای متمایز دارد ، یکی هویت جمعی بوده که در آن خصوصیات درونی ، مادی ، انسانی و ایدئولوژیک وجود دارد و دیگری هویت اجتماعی است که بر اساس آن بازیگر معنایی که در انگاره دیگران به خود می دهد و بر اساس آن به ایجاد ارتباط می پردازد (پریسی و اسمیت ، ۱۹۹۸ : ۲۶۸)

پژوهش گر در این پژوهش درصدد این می باشد که با استفاده از روی کرد سازه انگاری به بررسی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با لبنان پرداخته ، تشریح و تبیین نماید .

۱-۸- روش تحقیق

نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی می باشد.

۱-۹- ابزار گرد آوری داده ها

ابزار گردآوری تحقیق کتابخانه ای - اینترنتی می باشد.

فصل دوم

چارچوب و رهیافت سازه انگاری

۲-۱- سازه انگاری

رنالیسم، لیبرالیسم، سازه انگاری، مارکسیسم و... از جمله مؤلفه‌هایی اصلی رشته روابط بین الملل و علوم سیاسی محسوب می‌شوند و هر یک در دوره‌ی زمانی بخصوصی به عنوان پارادایم مسلط در حوزه روابط بین الملل مطرح شده‌اند. سازه‌انگاری به عنوان رویکردی نظری در روابط بین‌الملل ابتدا در مباحث و مکاتب جامعه‌شناسی شناخت مطرح بوده است و در اواخر دهه ۱۹۸۰ به یکی از تئوری‌های اصلی در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل مبدل شد. بیشترین تأکید و اولویت آن بر ساخت اجتماعی واقعیت می‌باشد و تبیین می‌نماید که جهان آن چنانکه مکاتب خردگرایی می‌پندارند که طبیعی بوده و امکان دسترسی مستقیم و بی‌واسطه به جهان وجود دارد، نمی‌باشد. به عبارت دیگر بر این نکته اتفاق نظر دارد که کنش‌ها و واکنش‌های انسانی و بازیگر در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و عاملی که موجب شکل دادن به هویت انسانی و افراد می‌شود، معناسازی است. (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۸).

در مورد اینکه سازه‌انگاری یک رهیافت است یا یک نظریه، در میان اندیشمندان برجسته روابط بین الملل و علوم سیاسی اجماع قابل قبولی وجود ندارد، همان طور که هاف مدعی است که: «سازه-انگاری یک رهیافت است، نه یک نظریه و به فرآیندها مربوط می‌شود نه نتایج» به نحوی که این عدم اجماع در مورد تعیین اینکه سازه‌انگاری یک رهیافت است و یا یک هستی‌شناسی می‌باشد، موجب شده است که به طور ضمنی از آن تحت عنوان نظریه یاد شود که دارای قدرت تجزیه و تحلیل، پیش‌بینی و توانایی توصیف وقایع است (آقاحسینی، ۱۳۹۱: ۹۳).

از دید بسیاری از تحلیل‌گران سازه انگاری بیشتر یک رهیافت می‌باشد تا اینکه به عنوان یک تئوری مطرح شود و این رهیافت از ترکیب چندین رویکرد تشکیل شده است. سازه انگاری در تلاش است تا با استفاده از مؤلفه‌ها و یا عناصر اصلی تشکیل دهنده‌ی آن بتواند کاستی‌ها و نارسایی‌هایی که در حوزه روابط بین الملل وجود دارد، را برطرف نماید، از سوی دیگر با بهره‌گیری از گزاره‌های خود همچون هویت‌ها، ارزش‌ها، انگاره‌ها و ایده‌ها بتواند تصاویر و معانی که از الگوهای رفتاری در سیاست بین الملل وجود دارد، را به بهترین نحو ممکن ارائه کند و خود را به عنوان رهیافت مسلط در حوزه روابط بین الملل مطرح نماید (راسخی، ۱۳۸۹: ۱۸۴).

سازه انگاری برخلاف سایر رشته‌های روابط بین الملل بیشترین تأکید و اولویت آن بر هستی‌شناسی می‌باشد و با انتقاد از مباحث اثبات‌گرایی درصدد تکمیل و ارتقاء مباحث هستی‌شناسی و همچنین رفع نواقص مطرح در مکاتب خردگرایی است. از دید این رهیافت (سازه انگاری) مفاهیم و واقعیت

های اجتماعی اموری از پیش ساخته شده نیستند، بلکه این مفاهیم متأثر از یک سری فرآیندهای گوناگون بوده که در طول زمان و در فضای جغرافیایی خاصی شکل گرفته اند، بر اساس تحولات صورت گرفته در آنها امروزه به شکل و فرم فعلی درآمده اند. از دیدگاه سازه انگاری عاملی که قوام دهنده و یا شکل دهنده به هویت کنشگران در عرصه بین المللی و داخلی شده است، سرشت اجتماعی کنشگرانی می باشد که بر اساس تعاملات، باورها، ایده‌ها، ارزش‌ها و باورهای نهادینه شده ای است که موجب شده هویت آنها شکل بگیرد و به صورت ثابت و پایدار باقی بماند (متقی، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

در این پژوهش ضمن تبیین و تشریح طیف های مختلف سازه انگاری مانند معرفت شناختی، هستی شناختی، رابطه ساختار-کارگزار و همچنین نقش هویت در شکل دادن به منافع، سعی می شود به بررسی دیدگاه های الکساندر ونت که عمده اساس تحقیق راجع به سازه انگاری بر اساس دیدگاه های وی صورت گرفته است، پرداخته شود. سپس به بررسی رابطه میان سازه انگاری و تحریم اقتصادی و در پایان مبحث به نتیجه گیری کلی از این مقوله بسنده می نمایم.

همان طور که در مبحث بالا به آن اشاره شد، سازه انگاری در انتقاد به مباحث خردگرایی مانند رئالیسم، نورئالیسم، لیبرالیسم و... به وجود آمده است. رویکرد نواقع گرایی نسبت به روابط بین الملل دیدی مادی گرایانه دارد و بیشتر بر اهمیت دولت، منافع ملی، ماهیت آنارشیک نظام بین الملل تأکید داشته و واقعیت های اجتماعی را اموری از پیش تعیین شده می داند. اما در رهیافت سازه انگاری بر این اعتقاد است که ماهیت و ساختار روابط بین الملل بیش از آنکه مادی گرایانه باشد، جنبه اجتماعی داشته و به مرور زمان، در اثر وقایع مختلف و در بسترهای تاریخی و جغرافیایی خاصی شکل گرفته اند (شاپوری، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

سازه انگاری بر این مسئله تأکید دارد که واقعیت های اجتماعی ساخته می شوند و مفروض آن نیز بر این امر استوار است که بازیگران و یا کنشگران، جهان خود را می سازند و به آن قاب و شکل می دهند، سپس به تفسیر و تحلیل ادراک خود از جهان پرداخته و در نهایت به اجرای آن می پردازند. الکساندر ونت در همین رابطه به دو مؤلفه بنیادین در رهیافت سازه انگاری اشاره می کند:

الف) انگاره های مشترک هستند که مشخص کننده ساختارهای اجتماعی نهفته شده انسانی هستند و نه نیروهای مادی همانطور که مباحث خردگرایی مطرح می کنند.

ب) هویت ها و منافع سیاست خارجی بازیگران را این انگاره های مشترک نهادینه شده در سیاست داخلی و خارجی کنشگران می سازند، نمی توان آنها را اموری از پیش تعیین شده دانست.